



آمدن پیامبر آخرین برای به فعلیت رساندن استعداد فطری انسان است

يك استاد عرفان اسلامي مشكلات جامعه بشري را دور ماندن انسان‌ها از خواسته‌هاي فطري آنها دانست و گفت: حضرت رسول اکرم (ص) آمده است تا ما را هدايت کند و استعداد خدادادي را به فعلیت برساند.

يك استاد عرفان اسلامي مشكلات جامعه بشري را دور ماندن انسان‌ها از خواسته‌هاي فطري آنها دانست و گفت: حضرت رسول اکرم (ص) آمده است تا ما را هدايت کند و استعداد خدادادي را به فعلیت برساند.

به گزارش خبرنگار آيين و اندیشه فارس، حجت‌الاسلام والمسلمين سيدعلي حسيني آملی از اساتيد عرفان حوزه علميه قم است. وي در حال حاضر، كتاب‌هاي معروف صحيفه سجاديّه، منازل السائرین، شرح فصوص‌الحکم و مصباح‌الانس و جواهر الکلام را تدریس مي‌کند. استاد حسيني آملی در هیئت، فلسفه و عرفان از شاگردان علامه حسن‌زاده آملی و در فقه و اصول از شاگردان مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی است.

به مناسبت سالروز ولادت پیامبر رحمت، گفت‌وگوي مشروحي با وي صورت گرفته است که در پي مي‌آيد.

* تفاوت انسان با ديگر مخلوقات در استعداد کمال انساني است

حجت‌الاسلام والمسلمين حسيني آملی در ابتدای سخنان خود گفت: انسان با ساير موجودات و مخلوقات با همه مشترکاتي که دارد در استعداد کمال انساني اش متمایز است. ما انسانها با جمادات در جسم بودن مشترکیم، با نباتات علاوه بر جسمیت در رشد نباتي نیز اشتراك داریم، با حيوانات علاوه بر جسمیت و رشد نباتي در حد ادراکات حیواني مانند ادراکات حسي و خیالي مشترکیم. همچنین در محبتهاي غريزي با حيوانات مشترکیم. اما انسان داراي استعداد رشد عقلاني است.

وي افزود: در عرفان اسلامي برای انسان، فوق ادراک فلسفي و عقلي - که در فلسفه مطرح است و انسان را مدرک کلیات می‌دانند که در حد ادراکات برهاني و قیاسات است - ادراکات عقلي وجودي و شهودي قائلند. يعني عرفا معتقدند انسان علاوه بر اینکه کلیات را می‌تواند بفهمد می‌تواند آنها را بالعیان ببیند و شهود کند. آنچه را که محسوس نیست ببیند.

* استعداد انساني باید شکوفا شود

حجت‌الاسلام حسيني ادامه داد: این استعداد باید شکوفا شود يعني استعدادات نهفته در انسان به فعلیت برسد و آن برنامه لازم دارد وگرنه مشترکات انسان با ساير موجودات از جماد و نبات و حیوان برنامه اي نیاز ندارد و فوق ادراکات حیواني نیاز نیست. چون اینها مربوط به طبیعت انسان بوده و طبیعت حیواني انسان با همان رشد طبیعی به فعلیت می‌رسد و حتي در بسياري از موارد به صورت غیر اختياري است. مثل اینکه درختي به آب و هوا و غذا نیاز دارد، از برگ خود، هوا استنشاق می‌کند و آب و غذايش از طریق ریشه و زمین تامین می‌شود. این مراتب برای انسان هم تصور می‌شود.

وي با بیان اینکه انسان در مرتبه حیواني‌اش مانند حیوانات، ادراکات حسي، خیالي و محبت غريزي دارد، گفت: انسان در مرتبه حیواني‌اش به دنبال منافع ظاهري خود می‌رود و اگر ضرري احساس کند فرار می‌کند. همچنین در مرتبه نیاز به جنس مخالف نیز با حیوان شريك بوده و برای تولید مثل، نیازمند جنس مخالف خود است ولي حیوان، قادر به ادراکات عقلي نیست يعني ادراکات عقلي کار انسان و مختص انسان است.

* از مهمترین مختصات و امتیازات انسان، ایمان به غیب و سپس شهود آن غیب است

استاد عرفان حوزه علميه قم گفت: از مختصات انسان این است که به نادیده‌ها ایمان می‌آورد يعني به چیزهايي که محسوسش نیست اما عقلش با دلیل اثبات کرده معتقد می‌شود، از جمله این نادیده‌ها که با برهان می‌خواهد به آن راه پیدا کند وجود خداوند تبارک و تعالي است. قرآن کریم در آیه سوم سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾. (پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند). ولي اگر انسان رشد بیشتری یابد و يك گام بیشتر به جلو بگذارد به جايي می‌رسد که این حقیقت را شهود می‌کند و بعد از شهود این امور دیگر برایش غیب محسوب نمی‌شود.

وي با اشاره به آیه 18 سوره آل عمران گفت: خداوند می‌فرماید: ﴿وَشَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ...﴾ (خداوند، شاهد است که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان علم و دانش، (نیز) شاهدند...) اینجا سخن از شهادت است نه ایمان به غیب.

حجت‌الاسلام حسيني آملی ادامه داد: عالمان، مثل ملائکه از وادي ایمان به غیب، به مرحله شهادت و کشف و شهود می‌رسند و همه چیز را بالعیان مشاهده می‌کنند که این مرحله نیز از خصائص انسان است. در تطبیق معنای اولوا العلم باید گفت که در صدر همه آنها، اولیای الهی يعني حضرت نبي مکرم اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) هستند.

وي افزود: البته بايد توجه داشت كه پيامبر اكرم (ص) و ائمه معصومين (ع) مصداق بارز اين آيه هستند و اين آيه بر آنها تطبيق شده است نه اينكه تفسير آيه چنين باشد. پس همه مي‌توانند در سايه علم و عمل به اين مرحله شهادت برسند و ناديدني‌ها را ببينند. خداوند در آيه 43 سوره عنكبوت مي‌فرمايد: ﴿وَلَيْكَ الْأَمْثَالُ لَتَضَرُّهَا لَلتَّاسِ وَمَا يَعْهَدُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ﴾ (اينها مثالي‌هايي است كه ما براي مردم مي‌زنيم، و جز عالمان آن را تعقل و ادراك نمي‌كنند)

اين استاد عرفان با اشاره به تفسير «صافي» فيض كاشاني گفت: مرحوم فيض كاشاني در اوایل تفسير صافي مي‌گويد كه سراسر قرآن بر قاعده «اياك اعني واسمعي يا جاره» (معادلش: به تو مي‌گويم ولي همسايه تو بشنو) نازل شده است. يعني اهل تعقل و تعمق به ظواهر الفاظ اكتفا نمي‌كنند بلكه در صدد راه يافتن به لب و مغز كلام هستند. قدرت عقلايت و تعقل مختص علما و دانشمندان است و آيات زيادي در قرآن كريم وجود دارد كه به آموختن علم ترغيب و تشويق كرده است.

* فرق تفسير با تطبيق، تفاوت مفهوم و مصداق است

حجت‌الاسلام حسيني آملی در بيان تفاوت تفسير با تطبيق متذكر شد: تفسير يعني لفظي را كه ما نمي‌فهميم به چه معناست، مفسري مي‌آيد و توضيح مي‌دهد كه مراد اين است يعني آن لفظ را معنا مي‌كند، به عبارت ديگر تفسير، كشف قناع (باز كردن پوشش) است، مقنعه را باز مي‌كند تا ديگران بفهمند معني اين لفظ يا عبارت چيست. ولي تطبيق اين است كه ما معنای لفظ را مي‌دانيم اما دنبال مصداق آن هستيم، مثلاً در آيه «انا اعطيناك الكوثر» معنای كوثر را مي‌دانيم كه خير كثير است اما مي‌خواهيم بدانيم مصداقش كيست؟ اين تطبيق است. پس تفسير، مفهوم عبارات است و تطبيق مصداق خارجي آن.

* مراد از علم و دانش همان علم برهاني و كشي است

وي ادامه داد: علم به همان دو معناست كه در فلسفه و عرفان مطرح است، در فلسفه مبناي علمي بر دانسته‌هايي است كه از طريق استدلال و برهان به دست مي‌آيد و در عرفان مبنا بر تصفيه باطن و كشف و شهود است.

حضرت اميرالمؤمنين علي (ع) در نهج‌البلاغه مي‌فرمايد: «كل وعاء يضيق بما جعل فيه إلا وعاء العلم فإنه يتسع به» هر ظرفي به پذيرش مضروف، گنجایش‌اش محدود مي‌شود مثل اينكه ظرفي كه 10 ليتر آب مي‌گيرد زماني مي‌توان به آن ظرف، 10 ليتر آب ريخت كه خالي باشد و اگر دو ليتر آب داشته باشد بيشتر از 8 ليتر نمي‌شود به آن آب ريخت و بعد از پر شدن ديگر گنجایش ندارد چون ظرفيتش پر مي‌شود. مگر ظرف علم در جان انسان‌ها كه هر چه به آن علم مي‌دهيم گنجایشش بيشتر مي‌شود و انتها براي‌ش فرض نكرده‌اند.

محقق و پژوهشگر برجسته عرفان اسلامي افزود: انسان ظرفيتش در سير علمي محدود نيست از طرفي سراسر هستي، علم انباشته بر هم است. يعني هستي سراسر علم است و هر كجا انگشت بگذاريد عالمي از علم آنجا است كه بايد بررسي شود، و انسان در مورد آن فكر كند، تحقيق كند و از آن، مطلب برداشت و پياده كند.

وي با اشاره به آيه 22 سوره «ق» (لَقَدْ كُنْتُمْ فِي عَقْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) گفت: خداوند مي‌فرمايد پرده را از چشم شما بر مي‌داريم نه اينكه آنجا محدوديتي باشد، در حقيقت هستي محدوديتي نيست شما هر مقدار به آن نزديكتر شويد عالمتر مي‌شويد مگر موانع بيايد و جلوي ديد شما را بگيرد. به عبارت ديگر در سير علمي در هيچ مقطعي براي انسان حد يقف نداريم يعني جايي نداريم كه گفته شود از اينجا به بعد، راه به روي شما از نظر علمي بسته است و بايد توقف كنيد.

* انسان در هيچ يك از علوم محدوديتي ندارد و توانايي رشد بي‌نهايت دارد

استاد حسيني آملی با بيان اينكه انسان در هيچ يك از علوم، محدوديتي ندارد و توانايي رشد بي‌نهايت را دارد، گفت: فرقي ندارد اين در علوم طبيعي هم هست، در علوم رياضي هم هست، در فلسفه هم هست، در عرفان - كه سرآمد همه علوم و معارف بوده و به دنبال شناخت حضرت حق جل و علا است - نيز چنين است. در ضمن بايد توجه داشت اينكه گفتيم انسان حد يقف ندارد مثالها را نبايد در عالم ماده محدود كنيم چرا كه عالم وجود تنها عالم ماده نيست بلكه عالم خيال، عالم عقل و ملائكه و ديگر عوالم نيز هستند.

وي با تأكيد بر رشد شعور آدمي تا مرتبه دانستن و بالاتر از آن، يافتن گفت: ما بايد خودمان را رشد داده و خود را به جايي برسانيم كه بياييم نه اينكه تنها بدانيم. شكوفايي استعدادهاي انسان، نيازمند برنامه است و اين برنامه توسط انبياء (ع) ارائه شده است.

استاد عرفان اسلامي ادامه داد: ما براي شكوفايي اين استعداد برنامه مي‌خواهيم. در عرفان اولين حركت را «يقظه» مي‌نامند، بيداري و هوشيارى اول راه است، بايد از خواب غفلت بيدار شد، كسي كه در خواب است و نمي‌داند براي چه به دنيا آمده نمي‌تواند به سوي هدف واقعي اش حركت كند. براي سير و سلوك الهي كه حقيقت وجود است و انسان اين استعداد را دارد بايد به دنبال انبيا و معصومين (ع) برويم، شكوفايي اين استعداد كار انبياء و اولياء است و برنامه رشد و شكوفايي انسان را پيامبران الهي آورده‌اند.

* پيامبر گرامي اسلام، كامل‌ترين برنامه را براي رشد و شكوفايي انسان‌ها ارائه كرده است

حجت‌الاسلام و المسلمين حسيني با اشاره به ميلاد فرخنده پيامبر اكرم (ص) و امام صادق (ع) ادامه داد: در ايام ولادت با سعادت

نبی گرامی اسلام حضرت رسول اکرم (ص) هستیم. پیامبر اسلام کاملترین برنامه را برای رشد و شکوفایی ما آورده است. امامان معصوم (ع) ما برای اجرای این امر آمده‌اند. امام صادق (ع) برای این امر آمده است. به تعبیر دیگر چون انسان‌ها نیازمند برنامه برای رشد و شکوفایی و سیر و سلوک هستند خداوند انبیا و اولیاء را فرستاده و کتابهای آسمانی نازل کرده است.

وی با ذکر مثالی ادامه داد: فرض کنید دانش‌آموزی در آزمون ورودی دانشگاه، پذیرفته شده و به دانشگاه وارد شده است. اکنون او برنامه می‌خواهد، فضای آموزشی لازم دارد، به کتب درسی نیازمند بوده و مربی و استاد آموزشی برایش لازم است.

وی در توضیح این مطلب گفت: خداوند متعال در آیه 72 سوره احزاب می‌فرماید: ﴿لَا عِزَّاتٌ إِلَّا عِزُّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبْنَىٰ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند اما انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود) یعنی برای خود محدودیتی نمی‌شناسد و همیشه در صدد آن است که از این مرتبه وجودی خود پا را فراتر بگذارد بر خلاف سایر موجودات که در حد رتبه خود محدودند و ترقی و تکاملی ندارند.

وی با طرح این سؤال که وقتی خداوند متعال، امانت را بر انسان داد یعنی این بار امانت را بر دوش ما گذاشتند این امانت را کجا ببریم؟ گفت: اینجاست که ضرورت ارسال رسل و انزال کتب مطرح می‌شود. حضرت رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) آمدند تا ما را هدایت کنند و این استعداد خدادادی را به فعلیت برسانند.

استاد عرفان نظری با اشاره به توضیحی دیگر افزود: انسان می‌تواند «ولی‌الله و «خلیفه‌الله» شود، یعنی انسان تا آن مرتبه می‌تواند صعود کند منتها باید برنامه رشد داشته باشد و شکوفایی این استعداد بدون برنامه ممکن نیست. ما فطرتا خدا جو هستیم نه فقط خدا دان، می‌خواهیم به آن حقیقت برسیم نه اینکه صرفا بدانیم خدایی هست. دانستن خوب است اما کافی نیست، انسان استعدادش بیشتر از دانایی است.

حجت‌الاسلام حسینی آملی ادامه داد: این عالم شدن، دانا شدن، نه به معنای عالم شدن به منطق ارسطویی و مانند آن است که فقط بدانیم این جهان، خدایی دارد. این مرتبه پایین است، البته فی نفسه خوب است خداوند در آیه 17 سوره غاشیه می‌فرماید: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْنَا الْكِتَابَ كَيْفَ خَلَقْتُ﴾ (آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است) یعنی از سیر در آیات و نشانه‌ها به وجود خدای متعال پی ببرید، این خوب است اما مرتبه‌اش پایین بوده و در حد عموم است.

وی گفت: ما نمی‌خواهیم در حد نبات و حیوان ادراکات و لذاپذ داشته باشیم و به آن لذاپذ اکتفا کنیم، حتی نمی‌خواهیم تنها در حوزه عقل کلی فلسفی بمانیم و صرفا مسائل را با عقل خود بفهمیم، بلکه می‌خواهیم به کلی سعی خارجی برسیم و آن را بیابیم و بالعیان مشاهده کنیم، و از آن بالاتر متحقق به آن امور شویم و به مرتبه حق الیقین برسیم. واقعا «الله الصمد» را ادراک کنیم. وقتی این دیدگاه عرفانی یعنی شهود و یافتن حقیقت برای انسان حاصل شود خیلی از سوالات که در علم کلام و فلسفه - مانند چگونگی علم خداوند به جزئیات - مطرح است حل می‌شود.

* همه احکام شرعی در راستای رشد و کمال انسانی و برنامه شکوفایی استعداد اوست

استاد عرفان عملی گفت: همه برنامه‌های الهی در شرع مقدس از واجب و حرام و مستحب و مکروه برنامه شکوفایی این قوه و استعداد است وگرنه نجاست به خودی خود معنا ندارد، حرام بودن یا واجب بودن به خودی خود معنا ندارد. یعنی بدون لحاظ انسان، معنا ندارد که فلان چیز واجب باشد و فلان چیز حرام باشد.

وی محور چنین اموری را «انسان» دانست و گفت: اموری که انسان را رشد داده و او را به سوی کمال می‌برد و برای رسیدن انسان به کمال ضرورت دارد به طوری که اگر نباشد نمی‌تواند انسان به کمال و شکوفایی استعداد برسد، واجب نام دارد. بعضی از امور هستند که به رشد انسان کمک می‌کنند اما ضرورتی هم ندارند این امور مستحب نامیده می‌شود. بعضی از مسائل، مانع رسیدن انسان به کمال نهایی خود است این مسائل حرام نامیده شده است. پس اگر رابطه انسان با کمالش در این امور لحاظ نشود واجب و حرام و پاک و نجس معنا نخواهد داشت. مثلا بدون لحاظ انسان، نجس بودن سگ معنا نخواهد داشت، حرام بودن شراب معنا نخواهد داشت.

حجت‌الاسلام حسینی آملی در بیان دلیل حرام بودن شراب، ممانعت آن از دستیابی به کمال حقیقی را بیان کرد و گفت: شراب جلوی رشد واقعی و معنوی انسان را می‌گیرد. لذا انسان، محور است و انبیا و اولیا گفتند ای انسان دست به حرام الهی زن تا رشد یابی. این محرمات و گناهان باعث انحطاط توست و تو را از کمال باز می‌دارد. بنابراین تمام احکام پنجگانه فقهی (واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام) مدارش، کمال انسان است، هر کس مراعات کند رشد می‌یابد و هر کس مراعات نکند خودش پایین می‌ماند و سقوط می‌کند.

* کسانی که در مقابل انبیا و امامان (ع) ایستاده‌اند در مقابل کمال و شکوفایی خود ایستاده‌اند

وی در تحلیل مخالفت دشمنان با انبیا و اولیاء گفت: کسانی که به پیامبران و امامان اهانت کردند و مانع آنها شدند یا کسانی که امروز به برخی از اساتید و بزرگان حوزه‌ها مخصوصا عرفای شامخ بی‌احترامی می‌کنند، یا جایگاه ولی فقیه را خدشه‌دار می‌کنند، در حقیقت با خواسته فطرت خود مبارزه می‌کنند و در مقابل کمال خودشان ایستاده‌اند.

این استاد برجسته حوزه ادامه داد: پیامبران، امامان، علمای بزرگ، عرفای الهی می خواهند شما از عبودیت نفس، هوا و هوس، شیطان و دیگر بتها بیرون بروید و عبد خدا شوید، عبدالله شوید، آزاد باشید و به کمال راستین خود برسید.

* انسان در سایه رشد و کمال، به حقایق عالم پی می برد

حسینی آملی ادامه داد: خداوند متعال در اول سوره اسراء می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (پاك و منزه است خدایی که بنده اش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی- که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم- برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم، او شنوا و بیناست.) عبودیت که تحصیل شد، انسان را سیر می دهند تا جایی که انسان مظهر سمیع و بصیر می شود، چشم و گوشش باز می شود و حقایق عالم را می بیند. ضمیر «هو» در آخر این آیه به «عبد» باز می گردد یعنی وقتی عبد را سیر دادیم؛ چشم و گوش حقیقی اش را باز می کنیم و نظام و حقایق عالم را می فهمد و می بیند. وی افزود: در روایت است که «الصلاة معراج المؤمن» (نماز معراج مومن است) اگر نماز انسان، اصلاح شود، چشم و گوش حقیقی اش هم باز می شود و حقایق را می بیند و آن وقت می فهمد که این لذت قابل مقایسه با لذایذ دیگر نیست.

* راه آغاز معنویت و رشد و کمال برگشتن به فطرت خدادادی است

استاد حوزه علمیه قم با اشاره به ریشه مشکلات جوامع امروزی گفت: تمام مشکلات جامعه بشری به خاطر این است که از خواسته فطرت خود دور مانده اند. باید همه به فطرت خود برگردیم. ما اگر به وجدان خودمان برگردیم بیدار می شویم. اگر خواسته های واقعی خودمان را بفهمیم راه را پیدا می کنیم، فطرت را باید شکوفا کرد، همه خواهان طهارت اند، همه خواهان سجده الهی اند، همه دنبال کمال اند، همه دنبال حقیقتند، کافی است فطرت خودمان را شکوفا کنیم. محقق برجسته فلسفه و عرفان اسلامی در جمع بندی مطالب مطرح شده گفت: حالا که برای شکوفایی این استعداد فطری نیازمند برنامه و دستور هستیم این برنامه ها باید از ناحیه مدبری باشد که او خالق این فطرت است چرا که تنها او می داند چه آفریده است و معقول نیست که دستگاه صنعتی را کسی اختیار کند و بسازد و دیگری دستور العمل چگونگی بهره وری از آن را تدوین کند، بلکه باید همان خالق متعال که انسان را با این ویژگی ها آفریده، دستور العمل را هم به وسیله انبیاء بزرگ نازل فرماید. حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی حسینی آملی در پایان این گفت و گو تصریح کرد: ارسال رسل و انزال کتب آسمانی جواب مطالبات انسانهاست که خدایا ما را از میان همه موجودات در سیر کمال، غیر متناهی آفریدی و پذیرش نمودی پس برنامه تعالی بخش ما را نیز نازل فرما که نزول قرآن مجید جواب این درخواست است و آنان که با این پیام آوران الهی و دستورات قرآنی مخالفت می کنند در واقع با خواسته فطری خویش مبارزه می کنند.